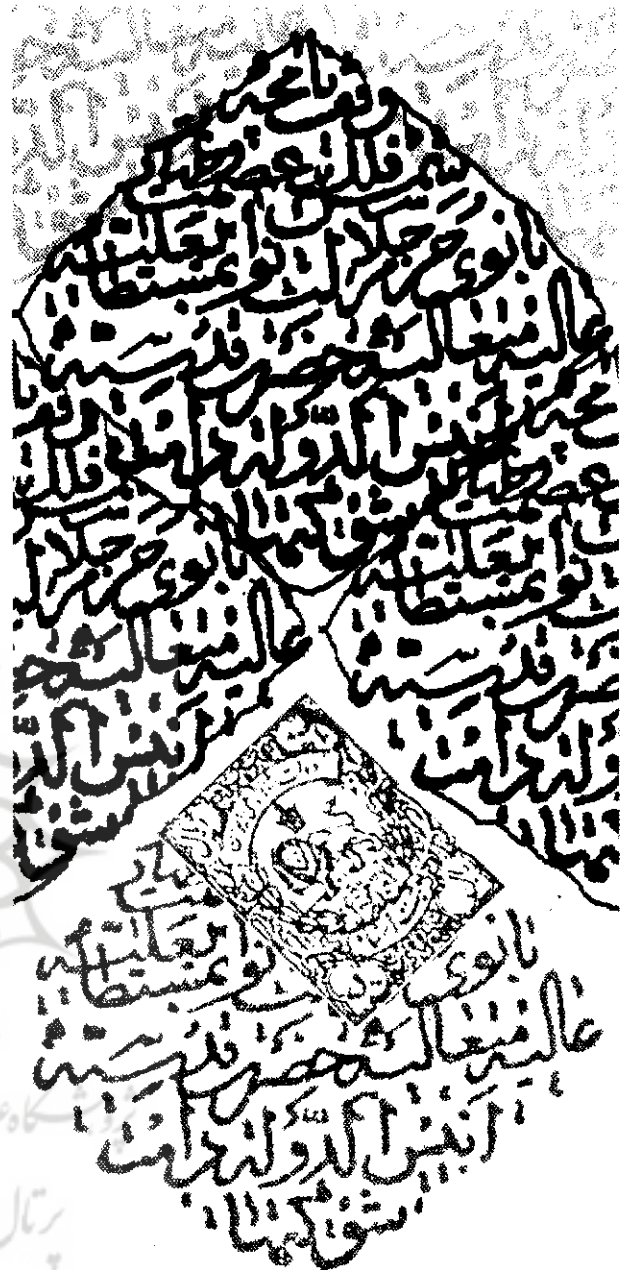


وقف از امور بسیار پسندیده است که از جهات مختلف اجتماعی و اعتقادی سودمندیهای بسیار داشته است و دارد و در اسلام بر آن تأکید بسیار شده است. از وقف اصطلاحاً به «تثبیت عین و تسبیل ثمره» تعبیر می‌شود و امری است که اجر آن برای واقف در دو جهان مسلم است و نفع آن برای افراد جامعه عام و دائم و اثر اجتماعی و اخلاقی آن غیر قابل انکار و احکام آن متنوع و عمل به نیات واقف برای متولیان و مباشران موقوفه بهره‌دنیوی و اخروی به همراه دارد. متقابلاً مسامحه در اجرای مفاد وقفنامه و یا تصرف به غیر حق در درآمد موقوفه و یا خارج ساختن عین از وقفیت و به ملکیت در آوردن آن، که نتیجه‌اش محروم ساختن بسیاری مردم نیازمند است از خوانی بی‌منت، مایه بدنامی در این جهان و عذاب آن جهانی است و نیز خلل رساندن به بنیان اعتقادی متعینان در استقبال از وقف و اقدام به این امر خیر. اما از آنجا که همگان به سودمندی و عام‌المنفعه بودن این امر آگاهی داشته‌اند و دارند و تصرفات گهگاهی غیر حقه برخی متولیان و مباشران همه وقت مورد طعن و لعن بوده و سبب نشده است که انقطاعی در این سنت سنیه راه یابد و به اصطلاح زمین از حجت و سرزمین اسلامی از واقف و وقف خالی بماند، پیوسته معتقدانی مؤمن و دلسوز، که تمکن مالی داشته‌اند، بدان عمل نموده‌اند و می‌نمایند. سعیشان مشکور و عملشان مأجور باد!

نگارنده پس از مطالعه مقاله ممتع آقای علی فرحانی تحت عنوان «دو وقف‌نامه از بازار تهران» در (ص ۱۲۸ تا ۱۳۲) شماره ۴۶ مجله وزین میراث جاویدان به مناسبتی که ذکر خواهد شد، اقدام به نگارش این مقاله درباره موقوفات خانم انیس الدوله در همان بازار تهران و نیز در قریه کاشانک نمود. همراه دو فقره وقف دیگر که افرادی نیکوکار در همان بازار آن را از هر حیث تابع ضوابط موقوفه مرحومه انیس الدوله کرده‌اند (که خود عمل ایشان تازگی و سعه صدر و گذشت خاص دارد) با نقل مندرجات وقفنامه‌ها را با توضیحات لازم و تمهید مقدمه‌ای برای درج در آن مجله شریف باشد که مایه ترغیب دارندگان تمکن در پرداختن به این گونه امور خیر گردد.



## موقوفات مرحومه انیس الدوله

پیش از آنکه از مرحومه وقف‌کننده و احوال و نیات ایشان سخن بگوییم، مناسب آن است که بپردازیم به نقل آنچه ایشان به بقاع متبرکه هدیه و با برای امور خیریه وقف کرده و آگاهان از این امر خیر آن را در کتب خویش ثبت کرده‌اند.

محمدحسن خان اعتمادالسلطنه در کتاب خیرات حسان می‌نویسد:

«نواب علیّه عالیّه انیس الدوله - دامت شوکتها - عقیده معظمه مشارالیه از بانوان سرای سلطنت و از مخدّرات عظیم الشان حرم جلالت است. از حضرت گردون بسطت شاهنشاهی - خلدالله ملکه و دولته - خلوتی تمام دارد و حصول مرضات الهی را با استرضای خاطر مقدس ظلّ الهی واجب‌فوری می‌شمارد. اصل اصیلش از دارالخلافة طهران و شغل منیفش حمایت ضعفای هر سامان، عقل و کفایت و کاردانش ضرب‌المثل، از اکثر عقلا و کفایت‌افکنی و اعقل... پذیرایی نساء محترمه خانواده سلطنت و دودمان سعادت اقتران خلافت در مواقع رسمی و اعیاد و غیره به عهده قدردانی و منزلت‌شناسی نواب علیّه مفخّمه - دام اجلالها - موکول است. و مکارم اخلاق و محاسن آدابش در اوقات تشریفات و ترتیبات آن مشهور و منقول. نشان تمثال بی‌مثال شهریاری که از امتیازات بزرگ دولت علیّه است و نشان شفقت دولت فخیمه عثمانی، درجه احترام و بلندی مرتبه و مقام مجلله مشارالیه را ظاهر می‌سازد. شرح آثار خیریه او از قرار ذیل است:

حقیقه الماس، تقدیم روضه مقدسه حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام؛

پرده مروارید تقدیم آستان حضرت سیدالشهدا علیه آلاف التحية والثناء؛

ضریح نقره برای شهدای کربلا علیهم رضوان الله؛

نیمتاج الماس تقدیم عتبه منوره حضرت رضا(ع)؛

تعمیر در نقره طلاکوب مسجد گوهرشاد؛

ده باب دکان وقف حضرت رضا علیه السلام برای روضه خوانی؛<sup>۱</sup>

وقف کاشانک؛

بقعه و گنبد شاهزاده حسین در امامه<sup>۲</sup>؛

بنای پل در ناصراباد سمت لواسان<sup>۳</sup>.»

در نقل احوال مرحومه واقف و خاندان وی و چگونگی ازدواج او با ناصرالدین شاه به آنچه اعتمادالسلطنه در «روزنامه خاطرات» خود آورده است بسنده می‌کنیم؛ وی می‌نویسد:

«انیس الدوله، فاطمه خانم محترم پادشاه که سوگلی است از اهل قریه [امامه] است. از قرار تقریر یکی از اهل قریه پدر این خاتون محترمه نورمحمد نام از طایفه گرجی بوده است، گرچه دو نفر دیگر می‌گفتند، آملی و از اهل مازندران بوده است، لیکن گمانم این است که بر فرض هم آملی بوده‌اند شاید از طایفه گرجی بوده‌اند که صفویه کوچانده در مازندران سکنی داده بودند می‌باشند. در هر صورت نورمحمد مُرد و سه اولاد از او ماند: حبیب‌الله و محمدحسن و این دختر.

والده آنها به یکی از سادات ناصرابادی شوهر کرد و دختر را عمّه او، که زوجه فتح‌الله نامی بود، نزد خود برد و نگاه داشت. مابین فتح‌الله و اهل امامه نزاعی شد. فتح‌الله از امامه قهر کرد. عیال خود را برداشته به دولاب تهران رفت.

نبات خانم صبیه مصطفی بیگ لواسانی که سمت‌لنگی شاه را داشت در حرمخانه بود. جهت پسر خود دختری می‌خواست که وجیه باشد. این دختر را یافته خواستگار شد. شوهر عمه و عموی او، که کربلایی مهدی باشد، ندادند. فوراً عمه را دیده نقد و جنس تعارف به او دادند و دختر را آوردند. همین که وارد حرمخانه کردند جیران خانم فروغ‌السلطنه که تا



تیسرے روز کے لئے

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي فَضَّلَنَا عَلَى الْعَالَمِينَ... (Arabic text from a historical document, likely a letter or decree, mentioning dates and names.)

آن وقت سوگلی بود این دختر را به خدمت خود نگاه داشت. کم کم در خدمت شاه طرف میل شد، ترقی کرد و تربیت شد.

در سفر سلطانی (۱۲۷۶ هجری قمری) صیغه پادشاه شد. حالا از نسوان بزرگ عالم است. بسیار مقدسه و محترمه است و غالباً غضب شاه را فرو می نشاند و توسط از بیچارگان می کند».

اعتماد السلطنه در همان «روزنامه خاطرات» از شفاعت انیس الدوله از سید باقر جمارانی ناظم العلماء که شاه دستور تبعید او را از شهر داده بود و نیز از شفاعت ایشان از گلین خانم، زن اول شاه، که حکم شده بود از اندرون به نگارستان منتقل شود و همچنین از برادر ناتنی او عبدالکریم یاد می کند<sup>۵</sup> و می نویسد:

«در میان حرم های شاه کسی که به من اظهار لطفی دارد و با اهل خانه من دوست است، انیس الدوله است. و چون این زن را پاکدامن و شاه شناس و دوست شاه می دانم ارادت می ورزم»<sup>۶</sup>.

اعطای تمثال شاه را به انیس الدوله روز چهارشنبه ششم صفر ۱۳۰۴ هجری قمری<sup>۱</sup> و اعطای نشان حمایل آفتاب را به ایشان روز ششم صفر سال ۱۳۰۶ هجری قمری می نویسد و می افزاید که او اول زنی است که این تمثال را دریافت داشته است.<sup>۲</sup>

اعطای لقب «حضرت قدسیه» را که خود او این لقب را پیدا کرده بوده است روز پنجشنبه بیست و یکم جمادی الثانیه سال ۱۳۱۲ هجری قمری نوشته است.<sup>۳</sup> مهدی بامداد در کتاب شرح حال رجال ایران می نویسد:

«انیس الدوله، نامش فاطمه و از اهالی امامه و عاقلترین و متشخصترین زنان ناصرالدین شاه و عنوانش «ملکه ایران» بوده و ناصرالدین شاه خیلی از وی حرف شنوی داشته و گاهی نیز طرف شور او واقع می شده است. در سال ۱۲۹۰ هجری قمری، سفر اول شاه به اروپا، شاه او را به عنوان ملکه همراه خود تا مسکو برد و چون موضوع حجاب در میان بود و به آن شکل و شمایل در اروپا بد جلوه می کرد، بنا به گفته و رأی حاج میرزا حسین خان مشیرالدوله صدر اعظم، شاه او را از مسکو به تهران برگرداند»<sup>۳</sup>.

بامداد در باره نامه انیس الدوله به شاه و درخواست ابقاء رکن الدوله محمد تقی میرزا، فرزند چهارم محمد شاه برادر کوچک صلیب ناصرالدین شاه در حکومت فارس، چنین می نویسد: «رکن الدوله در اواسط سال ۱۳۰۹ هجری قمری با تقدیم پیشکش قابلی به شاه به استانداری فارس منصوب شد. هفت ماه از استانداری او نگذشته بود که دیگران داوطلب و حاضر شدند که پیشکشی زیادتری داده به استانداری فارس منصوب شوند. رکن الدوله از این قضیه مطلع شد و به وسایلی حکومت خود را در فارس تثبیت نمود. از جمله به انیس الدوله زن سوگلی ناصرالدین شاه متوسل و او در نزد شاه اقداماتی نمود و رکن الدوله تغییر نکرد. انیس الدوله راجع به تغییر ندادن او این نامه را به ناصرالدین شاه می نویسد:

قربان خاک پای مبارکت گردهم. جواب عریضه رکن الدوله را فرموده اید. آدمش مطالبه می کند. دستخط در عریضه مزین التفات فرمایید. باری شنیدم که حکومت شیراز را باز تغییر داده اید. واللّه خیلی تعجب است که بیچاره رکن الدوله هفت ماه است رفته با آن همه خسارت. اگر برای پیشکشی است از خود شاهزاده بگیرید و خودش باشد. این طورها که پدر رعیت بیچاره در می آید. رعیت این طور تمام می شود. حاکم که از خودش نمی دهد. دور از مروت است. از هر جهت بیچارهها تمام شده اند. عریضه را به دست کسی ندهید. محرمانه ملاحظه فرموده پس بدهید خواجه بیاورد.

ناصرالدین شاه در بالای عریضه<sup>۱۵</sup> انیس الدوله چنین دستخط می نماید: «رکن الدوله حاکم است. جواب عریضه اش را هم با تلگراف دادیم. دیگر جوابی ندارد که داده شود.»  
دوستعلی خان معیر الممالک در کتاب یادداشت‌هایی از زندگانی خصوصی ناصرالدین شاه چند جا از انیس الدوله و مقام و کارهای او یاد کرده است. از جمله می نویسد:

«صیغه‌های محترم دیگر که از شاهزاده خانم‌ها نبودند: انیس الدوله که در واقع ملکه بود ولی فرزندی نیاورد. شاه او را از دل و جان دوست داشت و چندین بار خواست وی را در زمره زنهای عقدی خویش در آورد، ولی او نپذیرفت و اظهار داشت که نمی خواهد ساعت سعد زناشویی خود را بر هم زند. پس از کشته شدن شاه<sup>۱۵</sup> روزی برایش دسته‌ای اسکناس آوردند و چون تمثال شوهر را روی آنها دید چندان بر سینه و شکم کوفت که سخت بیمار شد و پس از چند ماه به همسر خویش پیوست»<sup>۱۶</sup>.

و نیز می نویسد:

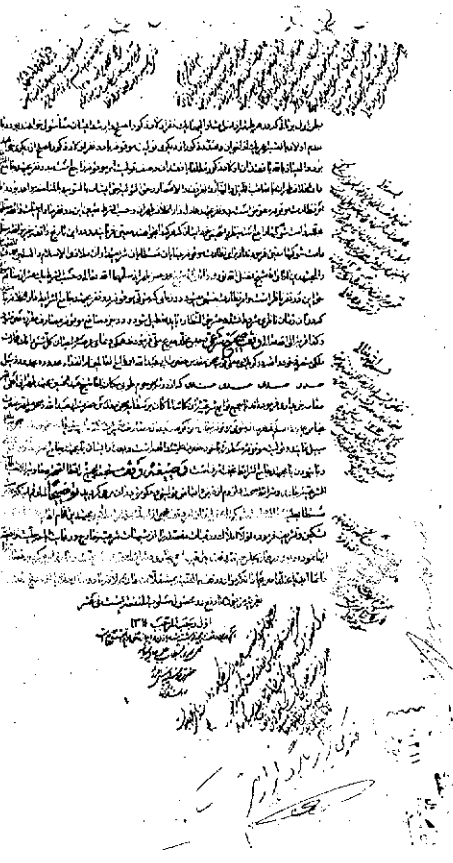
«آشپزخانه<sup>۱۷</sup> انیس الدوله جداگانه بود و دری به خارج داشت. همه روزه برای او سفره‌ای بس رنگین و مزین می چیدند که گویی برای ضیافتی گسترده باشند»<sup>۱۸</sup>.

«انیس الدوله همه جا پیوسته در عمارت اختصاصی در کنار شاه به سر می برد»<sup>۱۹</sup>.  
«در عید میلاد شاه (ششم صفر) سه ضیافت باشکوه بر پا می شد: یکی در عمارت انیس الدوله ... و انیس الدوله از بانوان سفرا و دیگر مأموران اروپایی مقیم تهران و همسران وزرا و اعیان و اشراف دعوت می کرد... و از میهمانان پذیرایی می نمود»<sup>۲۰</sup>.  
«در مراسم تعزیه داری ماه محرم و صفر، حرکت دادن عَلم خاص شاه در سوم

محرم معمول می گردید... عَلم را که پنجه بزرگی از زر ناب بر بالایش می درخشید به اندرون می آوردند و انیس الدوله متصدی بستن و وزینت آن بود. به انواع جواهر و طاقه شال و زری گرانبها می آراست و آن را کنار حوض بزرگ اندرون قرار می داد و دوستکامیهای<sup>۲۱</sup> بزرگ پُر از شربت کنارش می نهاد و زنهای شاه و دیگر اهل حرم، که بالغ بر سه هزار تن می شدند، گرد عَلم حلقه می بستند و انیس الدوله در پای آن ایستاده شربت می داد»<sup>۲۲</sup>.  
محمدعلی خان سدیدالسلطنه مینابی بندرعباسی در سفرنامه خود با نام «التقیق فی سیر الطریق» در شرح سفر خود به شهر جمادی الثانیه<sup>۲۳</sup> ۱۳۱۴ هجری قمری می نویسد: «دو سال است حکومت قم با محمدحسن خان معظم الدوله امیر تومان است، برادر انیس الدوله و بسیار مقدس و پرهیزگار است. انیس الدوله متعلقه ناصرالدین شاه که در اواخر «حضرت قدسیه» لقب داشت دو ماه است وفات یافته است»<sup>۲۴</sup>.

### تولیت موقوفات

بر طبق مندرجات وقفنامه، تولیت موقوفات در زمان حیات وقف‌کننده با خود ایشان بوده است بدون دریافت حق تولیت (از تاریخ وقف، رجب المرجب ۱۳۱۱ هجری قمری تا درگذشت ایشان در ربیع الثانی ۱۳۱۴ هجری). پس از آن با برادران وی حاجی حبیب‌الله خان و محمدحسن خان امیر تومان و بعد از آنان با اصلح و ارشد اولاد ذکور ایشان نسلأ بعد نسل و بطنأ بعد بطن، با تقدم بطن اول بر بطن ثانی که در هر طبقه از این دو نسل، یک نفر از پسران اصلح و ارشد ایشان معاً متولی خواهند بود. و با نبودن اولاد هر یک از اخوان و تعدد ذکور از دیگری، تولیت موقوفه با دو نفر اولاد ذکور اصلح از دیگری خواهد بود. و با فقدان اولاد ذکور مطلقاً یا فقدان وصف تولیت، راجع است به دو نفر مجتهد جامع الشرائط دارالخلافة طهران.  
بر طبق این شروط، تولیت موقوفات با دو برادر حبیب‌الله خان معظم السلطنه و محمدحسن خان امیر تومان معظم الدوله بوده



است. حبیب‌الله خان معظم‌السلطنه دو پسر داشت: عباس خان معظم‌السلطنه دوم و حاج محمدخان. معظم‌السلطنه دوم از همسر عقدی خود دختر معاون لشکر ایروانی سه دختر و چهار پسر به نامهای ابراهیم انیسی (معظم‌السلطنه سوم)؛ فرج‌الله انیسی؛ حسین انیسی و مهدی انیسی داشت و از همسران غیر معقوده خود نیز دو دختر و سه پسر با نامهای ابوالفتح انیسی، ابوالقاسم انیسی و مرتضی انیسی. اما ظاهراً پس از درگذشت برادران خانم انیس‌الدوله، با آنکه تولیت می‌بایست با اولادان هر دو برادر باشد، امر تولیت در خانواده محمدحسن خان معظم‌الدوله<sup>۴</sup> امیر تومان برقرار شده و پس از حاج محمدخان به فرزند او مرحوم محمود خان انیسی که از صاحب‌منصبان وزارت فرهنگ بود و دیری ریاست دبیرستان شرف را داشت و در بازار آهنگران منزل او بود، رسید. محمودخان سالیان دراز به امر تولیت قیام و اقدام مجدانه داشت. پس از درگذشت ایشان در سال ۱۳۵۵ شمسی مقرر بود که فرزند ایشان امیر با یکی از فرزندان معظم‌السلطنه دوم تولیت را بر عهده بگیرند، اما از فرزندان معظم‌السلطنه، ابراهیم انیسی و فرج‌الله انیسی و ابوالفتح انیسی در گذشته بودند و ابوالقاسم خان و مرتضی خان تن به قبول مسوولیت تولیت ندادند و امیر فرزند محمدخان انیسی نیز در جوانی درگذشت و در آن خاندان فردی که از عهده این مهم برآید نبود به همین دلیل مهدی خان انیسی، فرزند بازمانده معظم‌السلطنه دوم تولیت موقوفات را بر عهده گرفت و پس از ایشان چندی فرزند ایشان سعید انیسی در امور تولیت مستقلاً دخالت داشت و با درگذشت ایشان دو تن از نوادگان معظم‌السلطنه دوم، یکی کامبیز انیسی فرزند فرج‌الله انیسی و دیگری عباس انیسی فرزند ابوالفتح انیسی مشترکاً با موافقت اداره کل اوقاف، تولیت را در دست گرفتند و تمشیتی در کار موقوفات از نظر تعمیرات و تجدیدنظر در مال‌الاجاره مستغلات موقوفه با رضایت مستأجران دادند، و با جلب رضایت رعایای قریه کاشانک در آن موقوفه نیز اقدامات سودمندی کردند که موجب رضای خدای تعالی و خشنودی روان وقف‌کننده و سپاس بر خورداران از خوان احسان وقف گردیده است. اینک متن وقف‌نامه مرحومه انیس‌الدوله:

بسم الله الرحمن الرحیم و الحمد لله رب العالمین و الصلوة علی محمد و آله الطیبین الطاهرین

و السلام علی من اتبع الهدی و ما یستحقون من العباد و ما یستحقون من العباد

روشنگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

الحمد لله الواقف علی الضمائر و المطلاع علی السرائر. الذی رحمته واسع علی العباد و أسبل غفرانه علی من ینبغی سبیل الرشاد و صلی الله علی محمد و آله المعصومین الامجاد الی یوم التناد. و لعنة الله علی اعدائهم اجمعین الی یوم المیعاد. بعد الحمد و التسلیم، ستایش و سپاس مر خداوند رحیمی را سزاست که نِعَم بی منتهی و انعام عامش وقف است بر کافه موجودات و مخلوقات و الطاف بی پایانش متواتر بر جمیع موجودات. کریمی که از خوان کرم و احسانش پیوسته علیم و عامی ریزه‌خوار و از الطاف بی‌اندازه‌اش [منعم و درویش] بهره‌بر. وهابی که از قدرت کامله‌اش از مستغلات جودش هر روزه روزی موجودی را به عرصه ظهور نمود آورد و آن را بر هر یک از موجود روزی بخشد، تا وجودشان پاینده و پردوام ماند. تعالی شأنه و عظم سلطانه.

و درود نامحدود مر پیغمبر محمودی را سزد که دین قویم و شرع مستقیمش در ربیع مسکون منتشر گردید. هر تنی که در او توفیق ایمان مضممر و مستتر بود به راهنمایی صاحبان درگاهش از طریق انحراف منصرف گشته، به سر منزل ایمان کامل و سعادت ابدیه جاودانی رسیده.

و صلوات زاکیات متوالیات متکاثرات بر آل اطهار او باد که هر یک در انجمن امامت بی‌مثل و نظیر و در محفل شرافت بی‌عدیل و شبیه‌اند. خصوصاً امیر البره و قاتل الکفرة و الفجرة امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام باد.







ثالثاً مصارف لازمه عین موقوفه از قبیل تنقیه و لارویی فنوات و تعمیرات لازمه عین موقوفه را مقدم دارند که رقبات موقوفه همواره معمور و دایر باشد. بعد از این مصارف ثلثه به همین ترتیب که مسطور شد، آنچه از منافع موقوفه که باقی ماند نصف از تمام آن را در مصارف تعزیه داری خامس آل عبا ابی عبدالله الحسین ارواحنا و ارواح العالمین له الفداء و سایر ائمه معصومین و اولاد امجاد ایشان و ذکر مناقب ایشان صلوات الله علیهم اجمعین از قهوه و غلیان و چای و اطعام و تدارک لوازم مجلس و اجرت راثی و امثال ذلک در هر محل و هر قسم که متولی هر زمان صلاح داند و اقرب به ثواب بشمارد از کاروانسرا و خانه و غیرها صرف نماید و نصف باقی را چهار سهم مساوی نموده: دو سهم آن را در مصارف نایب الزیارة کربلای معلی و مشهد مقدس صرف نمایند و یک سهم در افطاریه شهر رمضان که در مجالس افطار ذکر مصیبت حضرت ابی عبدالله ارواح العالمین له الفداء هم بشود، به هر نوع که متولی صلاح داند در هر مکان که خواهد صرف نماید. و یک سهم باقی را در مطلق خیرات و مبرات از قبیل عروسی غزآب از سادات و علویات و غیرهم و تجهیز و تکفین فقرا از اموات و یا ابتیاع و طبع نمودن کتب علمیه از برای محتاجین از اهل علم و امثال اینها، هر چه به نظر متولی عصر اقرب و اصلح باشد صرف نمایند. و تمامی مراتب مسطوره و مصارف مقررّه باید به نظارت نظار باشد که در هر عصر صرف شود. و تولیت موقوفه مادام حیاتها، اطال الله بقائها، با خود واقف موفقه معظمه دامت شوکتها شرط شد و بعد از عمر طبیعی، تولیت عین موقوفه مرجوع و مفوض است با اخوان عظام ایشان مقرّب الخاقان معتمدی السلطان آقای حاجی حبیب الله خان و آقای محمد حسن خان امیر تومان دام اقبالهما العالی. و بعد از ایشان با اصلح و ارشد اولاد ذکور ایشان نسلاً بعد نسل و بطناً بعد بطن با تقدیم بطن اول بر ثانی که در هر طبقه از نسل مشارالیهما یک نفر اولاد ذکور و اصلح و ارشد ایشان معاً متولی خواهند بود و با عدم اولاد بالنسبه هر یک از اخوان و تعدّد ذکور از دیگری تولیت موقوفه با دو نفر اولاد ذکور اصلح از دیگری خواهد بود و العیاذ بالله با فقدان اولاد ذکور مطلقاً یا فقدان وصف، تولیت از موقوفه راجع است به دو نفر مجتهد جامع الشرائط دارالخلافة طهران باتعاقب اللیل والنهار والقرون والاعصار حق التولیه حق ایشان بالسویه و بالمناصفه خواهد بود.

اما امر نظارت موقوفه مفوض است به دو نفر مجتهد عادل دارالخلافة و حسب الشرط، تعیین این دو نفر مادام حیات واقفه معظمه مجلّه دامت شوکتها راجع است به نظر و تشخیص خود ایشان که هر که را بخواهند معین فرمایند و در این تاریخ واقفه خیر موفقه معظمه دامت شوکتها معین فرمودند از برای نظارت موقوفه جنابان مستطابان شریعتمداران ملاذی الاسلام والمسلمین عمدتی الفقهاء والمجتهدین آقای آقا شیخ فضل الله نوری و آقای آقا شیخ محمد حسن طهرانی سلمهما الله تعالی، و حسب الشرط یک عشر از منافع موقوفه حق این دو نفر ناظر است و امر نظارت منتهی می شود در زمانی که متولی موقوفه دو نفر مجتهد جامع الشرائط دارالخلافة باشد که در آن زمان ناظری مشروط نشده و عشر حق النظاره باید تعطیل شود و در جزء منافع موقوفه به مصارف مقررّه صرف شود.

وكذا قرابة الى الله تعالى وقف صحيح شرعي و حبس مغلّد صریح ملی فرمودند همگی و تمامی عرصه و اعیان کلّ شش دانگ عمارت ملکی متصرفی خود را واقعه در کربلای معلی قرب صحن مقدس حضرت ابی عبدالله ارواح العالمین له الفداء محدوده به حدود ذیل: حدی... حدی... حدی... حدی... حدی...

که از ورثه مرحوم طوبی مکان آقا شیخ عبدالحسین مجتهد طهرانی اعلی الله مقامه خریداری فرموده اند با جمیع توابع شرعیّه ان کائناً ماکان بر سقایه صحن مقدس حضرت ابی عبدالله و صحن مطهر حضرت عباس علیهما السلام که هر ساله متولی موقوفه اجاره آن را گرفته، بعد از مصارف تعمیرات لازم، آب خریداری نموده در صحن مبارکه سبیل نمایند. و تولیت موقوفه مسطوره با خود حضرت علیّه واقفه است و بعد از ایشان با مجتهد جامع الشرائط کربلای معلی



و با نبودن، با مجتهد جامع الشرائط نجف اشرف است. و صیغه وقف مستجمعة بجميع شرایط الصحة و حاویة للاحتیاطات الشرعية جاری و شرائط صحت و لزوم از قبض و اقباض تولیتی و حکومتی در آن مرعی گردید. توضیحاً لمازیم اینکه حضرت مستطاب علیّه عالیّه دامت شوکتها محض اتقان امر وقف مجمعی از اجلّه علمای اعلام و مجتهدین فخام، ادام الله ظلّهم العالی، تسکین و تشریف فرموده، اولاً املاک و رقبات مفصله را از شبهات شرعیّه خارج و رعایت اباحه حلّیت واقفیت آنها نموده و بعد در همان مجلس صیغه وقف به ترتیب شرعی جاری و شرائط صحت و شرعیّت در آنها مرعی گردید. فصّارَ وقفاً دائماً ابدیاً مخلّداً صریحاً و آنکه موارد وقف بالنسبه به مستغلات دارالخلافة تا دو سال هلالی از تاریخ وقف و بالنسبه به قریه مزبوره تارفع دو محصول مسلوب المنفعه است. فی عشر اول رجب المرجب ۱۳۱۱ [هجری قمری].

« آنچه در این وقفنامه نوشته شده به اذن و اجازه من واقع شده صحیح است ». محل مهر نواب مستطاب علیّه عالیّه متعالیه حضرت قدسیه انیس الدوله دامت شوکتها.

عمده العلماء الاعلام شریعتمدار آقای آقا سید علی اکبر

[سجلات]:

مجتهد تفرشی سلّمه الله تعالی.

حسب الامرو فرمایش نواب مستطاب علیّه عالیّه شمس

آنچه مرقوم فرمودند صحیح است و واقع شده. محل

فلک عصمت و طهارت حرم جلالت عظمی حضرت

مهر جناب مستطاب شریعتمدار قدوة الفقهاء الفخام آقای

قدسیه انیس الدوله دامت شوکتها و توفیقها [...] املاک

حاجی میرزا حسن مجتهد آشتیانی سلّمه الله تعالی.

مفصله ایشان در جزء کتاب ثانی الاخبار به طبع رسید که در

بمنه تعالی - نعم قد صحّ واتضح وقوع الامر عن

هر جلدی از هفت صد جلد این کتاب یک نسخه از این

النواب العلیّه عالیّه دامت خداتها حسبما هو مشروح

وقفنامه چه باشد. فمن بدله بعد ما سمعه فانما اثمه علی

فی هذه الاوراق عقداً وقبضاً و تولیة و النظارة الامر حرره

الذین یبدلونه.

العاصی [...] عبدالله البهبهانی فی شهر ذی الحجة ۱۳۱۱.

هو الله تعالی شأنه العزیز - نواب علیّه عالیّه متعالیه دامت

محل خاتم شریف جناب مستطاب عمده العلماء العظام

شوکتها و عفتها [...] مرقوم فرموده و به فقرات مرقومه در این

آقای آقا سید عبدالله سلّمه الله تعالی.

کتاب اقرار و اعتراف می فرماید. پنجم ذی حجة الحرام ۱۳۱۱. محل

بسم الله خیر الاسماء - قد وقع وقف الاملاک

مهر جناب مستطاب حجة الاسلام آقای [...] امام جمعة طهران

والرقبات المسطورات من الواقفة الموقفة المعظمة

بسم الله تعالی - قد وقع وقف الاملاک مسطوره من

ادام الله ایام توفیقها علی [...] المصارف المقرره بالشروط

الواقفة المعظمة دامت شوکتها و توفیقها بجهات المرقومه و

المزبورة من التولیة و النظارة مع رعایة الشروط المعتبة

الشرائط المفصلة من التولیة و النظارة، من القبض و الاقباض لدى.

من القبض و الاقباض بعد رعایة الاحتیاط و تخلیص

حرره فی شهر رجب المرجب من شهر ۱۳۱۱. محل مهر جناب

الاملاک عن الشبهات الشرعية فی العشر الاول من شهر

مستطاب آقای حاجی شیخ اسماعیل طهرانی سلّمه الله

رجب المرجب ۱۳۱۱ - محل مهر شریف جناب مستطاب

تعالی [...] .

زین العلماء الكرام آقای آقا شیخ محمد حسن مجتهد

« بسم الله تعالی - وقع الوقف من الواقفة الموقفة

طهرانی سلّمه الله تعالی.

بالرقبات المسطورات فی الورقة للمصارف المعینة مع

بسم الله و له الحمد - [...] الاعتراف منها، ادام الله

الشروط المزبورة و التولیة و اعتراف بالقبض مع مراعات

تعالی عفتها و عصمتها و توفیقاتها، بتمام ما رقم فيه فی

لازمة الاحتیاط لدى الاحقر فی العشر الاول من رجب

السادس من شهر ذی الحجة الحرام من شهر ۱۳۱۱ - محل

المرجب ۱۳۱۱. محل مهر شریف جناب مستطاب





مهر شریف جناب مستطاب عمدة العلماء الكرام آقای آقاسید باقر صدر العلماء سلمه الله تعالى. بسم الله الرحمن الرحيم. وقع الوقف قربة الى الله تعالى من الواقعة المعظمة الجليلة العالية دام [...] وتوفيها على المصارف المسطورة و جعل التولية والنظارة المشروطة: [...] بقبول من يصح منه القبول [...] للقبض والاقباض وكذلك الوقف الثاني بالنسبة [...] المعينة فيه [...] الاول والثاني في ثمانية عشر صفحة بعد مراعات [...] الشرعى في الفقرتين [...] من شهر

رجب المرجب لدى الاحقر فضل الله نوري ۱۳۱۱ حرزه في ستة نسخ. محل مهر شريف جناب مستطاب شريعتمدار آقای آقا شيخ فضل الله مجتهد نوري سلمه الله تعالى. بسمه تعالى - قد وقع الوقف المزبور من الواقعة المعظمة دامت شوكتها للمصارف المقرره على حسبما فصل و سطر في الاوراق المسطورة من البداية الى النهاية و صح الاعتراف بالقبض لدى في عشر الاول من رجب المرجب من شهر ۱۳۱۱. محل مهر شريف جناب مستطاب آقای آقاسيد حسن پيشنماز شوشتری سلمه الله تعالى.

بسمه الله تعالى - قد تحقق اقرار الواقعة الموقفة زيد توفيقها بصحة ما في هذه الاوراق في نسخ ستة حرزه في سلخ محرم ۱۳۱۲ - محل خاتم شريف جناب مستطاب قدوة الفقهاء والمحققين آقای آقاسيد ريحان الله مجتهد بروجردي سلمه الله تعالى. هو قد اعترفت دامت شوكتها وتوفيقها بتمام ما نسب اليها في هذه الاوراق. في غرة شهر رجب ۱۳۱۲ محل خاتم شريف جناب عمدة العلماء آقای آقا شيخ محمدنبي مجتهد تويسركاني سلمه الله تعالى.



چنانکه در مقدمه اشاره کردیم چند تن از نیکوکاران که در بازار تهران املاکی داشتند یعنی آقایان محمدرضا حاجبها و علی بابا اصفهانی مالکین سرای عالی و آقای محمدتقی عبداللهیان مالک مستغلاتی در بخش هشت بازار امامزاده زید تهران هر یک بخشی از املاک متعلق به خود را وقف کرده‌اند. و نکته قابل توجه آن است که موقوفات خود را تابع شروط وقفنامه مرحومه انیس الدوله از جمیع جهات (مصرف درآمد موقوفات و متولی آن) قرار داده‌اند و این امر بدیع شاید در مسئله وقف احتمالاً کم سابقه باشد. بدیهی است ممکن است مصارفی که مرحومه انیس الدوله برای درآمد موقوفات خود در نظر گرفته بوده است از هر جهت با نیات خیرخواهانه واقفان مورد اشاره موافقت داشته است، اما تفویض تولیت موقوفات به متولیان موقوفات انیس الدوله تازگی داشته است و می‌توان حدس زد که شخصیت مرحوم محمود خان انیسی، متولی وقت موقوفات انیس الدوله، و کیفیت عمل او در مصارف صحیح درآمد، مطلوب واقفان قرار گرفته و به تفویض تولیت موقوفاتشان به ایشان واداشته باشد. به هر حال بر نیت خیرشان ارج می‌نهییم و عملشان را عندالله مأجور مسئلت می‌نماییم.

اینک متن دو وقفنامه:

سند در صفحه ۱۱۱ دفتر ۱۰ سردفتر	وزارت دادگستری
تحت شماره ۴۷۹۸ ثبت شده است	ثبت کل اسناد و املاک
در صفحه ۱۸۲ دفتر اسناد رسمی ۷۰ به ثبت رسید	دفترخانه اسناد رسمی شماره هفتاد حوزه تهران
	نوع سند: وقفنامه

حاضر گردیدند آقایان محمدرضا حاجبها فرزند رضاعلی به شناسنامه شماره یکصد و هفتاد و هفت از بخش شش تهران و سیدباقر لاجوردی فرزند سیدمحمدعلی به شناسنامه شماره سه هزار و شصت از بخش شش تهران و علی بابا اصفهانی فرزند مهدی به شناسنامه شماره سیزده هزار و شصت و چهار از بخش دو اصفهان ساکنین تهران سه دالان ملک و مالکین سرای





اول ملک موقوفه مرحومه انیس الدوله دارا می باشد و مصرف تولیت آن تابع موقوفه مرحومه انیس الدوله قرار دادند تا منافع حاصله از یک دانگ و نیم سرای عالی به مباشرت و تولیت متولی موقوفه مرحومه انیس الدوله که متولی این موقوفه نیز می باشد، طبق مندرجات وقف نامه مورخ فی عشر اول رجب المرجب یک هزار و سیصد و یازده قمری که ذیلاً عین آن نقل می شود...

به مصارف مافقره الواقفه برسد و بنابراین یک دانگ و نیم مشاع از کل شش دانگ سرای عالی فعلی که شماره پلاکها و حدود مشخصات هر یک از سه پلاک در اسناد مالکیت مصرح است به وقفیت ثابت و ضمیمه موقوفه انیس الدوله بوده و ارکان و شرایط وقف و تولیت و مصارف و به طور کلی از هر حیث و هر جهت تابع موقوفه مرحومه انیس الدوله می باشد. با توجه به مندرجات وقف نامه موقوفه مرحومه انیس الدوله و همچنین طبق محتویات پرونده اوقافی و عملاً در حال حاضر تولیت و تصدی موقوفه مرحومه انیس الدوله به آقای محمود انیسی و اداره اوقاف اوقافی است، لذا شخصاً آقای انیسی به عنوان تولیت موقوفه جدید مشروحه و آقای علی اصغر احسانی به نمایندگی از طرف اداره اوقاف متصدی موقوفه و نمایندگی مطلق اداره کل اوقاف به لحاظ نظارت قانونی در دفترخانه حاضر و قبول وقف را نمودند و به عنوان وقف مداخله و قبض نمودند.

و نیز توضیح لازم داده می شود که چون ساختمان سرای عالی به اتمام نرسیده و بایستی موقعیت فعلی چهار طبقه ساختمان و تکمیل و تعمیرات ظاهری و روکاری ساختمان انجام شود در ضمن عقد خارج لازم واقفین نامبرده شده در بالا در قبال متولی و تصدی و اداره کل اوقاف متعهدند که از حال تا یک سال تمام خورشیدی ساختمان طبقات چهارگانه و کلیه تعمیرات اساسی و ظاهری آن را با هزینه خود تکمیل و به اتمام برسانند و در صورت تخلف طبق مقررات و موازین قانونی خسارات ناشیه از تأخیر را مطابق نظریه کارشناس رسمی اداره اوقاف هر یک به نسبت سهم خود بپردازند و با نظارت کامل متولی و اداره کل اوقاف ساختمان چهار طبقه را تکمیل نمایند. بدیهی است اداره کل اوقاف و متولی موقوفه به منظور تأمین اعتبار برای تکمیل ساختمان در امر سرفعلی معموله در بازار مداخله نخواهند داشت، ولی در مورد اجاره دادن هر یک از حجرات و مغازه ها و دکاکین سرای عالی طبق مقررات و وظایف مربوطه را ایفا خواهند نمود و در ضمن عقد خارج لازم مالکین سرای عالی متعهدند که در صورتی که غیر از سه ملک مصرحه پلاک دیگری بوده و یا بعداً ضمیمه سرای عالی شود به نسبت یک دانگ و نیم آن را با همین شرایط وقف نمایند و آقای علی اصغر احسانی به شناسنامه شماره سه هزار و هشتصد و سی و هفت قم - نمایندگی از طرف اداره کل اوقاف طبق نامه شماره ۹/۶۳۳۸-۳۶/۵/۳۰-۳۰ ذیل ثبت و سند را امضاء نمود و مورد وقف برای اخذ حق الثبت به مبلغ دویست و پنجاه هزار ریال تقویم گردید. - تذکر - طبق سند شماره ۴۲۰۲۱-۴۲۰۰۱-۳۶/۴/۱۲-۳۶ دفترخانه ۳۷ تهران کوچه مسقف مربوط به پلاک شماره ۳۸۹۵ جزء مورد ثبت پلاک مزبور شده که قدرالسهم به شرح سند جزء مورد ثبت می باشد. به تاریخ نهم شهریور ماه یک هزار و سیصد و سی و شش برابر پنج صفر یک هزار و سیصد و هفتاد و هفت. محل امضاء

### وقف نامه دوم

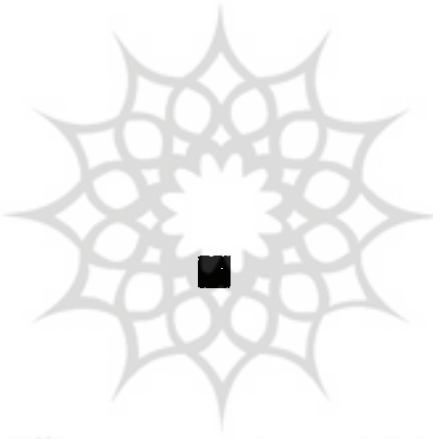
وزارت دادگستری	سند در صفحه ۱۰۴ دفتر ۴۴ سردفتر حجت
ثبت کل اسناد و املاک	شماره ۲۲۰۰۸ ثبت شده است
برگ اسناد رسمی	در صفحه ۱۱۳ جلد ۴۱ دفتر
نوع سند: وقف نامه	اسناد رسمی شماره ۲۰ تهران
	تحت شماره ۲۲۰۰۸ در تاریخ

دفترخانه اسناد رسمی شماره دویست حوزه تهران ۱۳۵/۹/۷ به ثبت رسید.





محتویات پرونده اوقافی در حال حاضر عملاً تولیت و تصدی موقوفه با آقای محمود انیسی دارای شناسنامه شماره ۳۵۵۶\* صادره از بخش هشت تهران ساکن تهران - عباس آباد - خیابان امینی - کوچه ده متری بنفشه، شماره ۶۱۹ و حبیب‌الله انیسی دارای شناسنامه شماره ۲۳۲۵۲ بخش نُه تهران ساکن تهران خیابان کاج، چهارراه تیر، کوچه نوری، شماره ۱۸۷ محول است. لذا آقایان محمود انیسی و حبیب‌الله انیسی، مذکوران در بالا، متولیان موقوفه از لحاظ تولیت آقایان سیدحسین به شناسنامه شماره ۱۲۱۱۹ از بخش ۸ تهران و اسدالله فرخ‌منش به شناسنامه شماره ۸۷۵۴ از بخش دو کرمانشاه از طرف اداره اوقاف به لحاظ نظارت قانونی اوقاف در دفترخانه حاضر و قبول وقف را نموده و موقوفه را قبض نمودند و تعیین متولیان بعدی طبق مقررات وقفنامه موقوفه مرحومه انیس الدوله خواهد بود. در خاتمه اشعار می‌دارد کلیه سرقفلی‌های سه دانگ سرای مورد وقف که فاقد مستأجر است متعلق به خود آقای محمدتقی عبداللهیان است که در موقع تنظیم سند اجاره حق دارد به نفع خود دریافت نماید و جهت اخذ حق الثبت مورد وقف به مبلغ یک میلیون ریال وجه رایج ایران تقسیم بر شده است. به تاریخ بیست و هشتم دی ماه هزار و سیصد و پنجاه و یک خورشیدی برابر سیزده ذیحجه ۱۳۹۲ قمری.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تالیفات و معارف

۱. در باره این «در» سدیدالسلطنه در سفرنامه خود (ص ۲۱۷) نوشته است: «دروازه میانه مسجد گوهرشاد به دارالستیاده از نقره و از موقوفات انیس الدوله زوجة ناصرالدین شاه است. از یسار و یمین فراز دروازه از طرف ایوان از هر جانبی تقریباً هفت گره اوراق طلاکوبیده‌اند. در جنبین دروازه فراز اوراق مزبور نگاشته‌اند:

به عهد خسرو جمجاه غازی	شهنشاه ناصرالدین شاه قاجار
انیس الدوله خاتون خواتین	ز سیم و زر بهشت این در بر این دار
سپس «مینا» به تاریخ اوگفت	بود این پاک در در عرش دادار

مصراع آخر به حساب جُمَل سال ۱۲۸۴ هجری است.»

۲. در وقفنامه ذکری از این دکاکین نشده است. گمان می‌رود که مراد خجرات سه دالان ملک باشد.

۳. امامه دهکده وسیعی است در دامنه جنوبی البرز مرکزی در شمال شرقی تهران و شش کیلومتری مشرق فشم و از امامه پایین و امامه بالا تشکیل شده است. یاقوت در معجم البلدان نام آن را «انامه» و قلعه‌ای نزدیک ری می‌نویسد. دو حرف میم و ب در بسیاری کلمات به یک حرف نون تبدیل شده‌اند چون ذنب و دم. (سَنب و سَم و جز این دو).

۴. ناصرآباد در شمال گلندوک و جنوب شرقی امامه در لواسان و ده بزرگی است.

۵. خیرات حسان، چاپ سنگی ۱۳۰۴ هجری قمری (ج ۱، ص ۶۸).

۶. روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه با مقدمه و فهرس ایرج افشار یزدی از انتشارات امیرکبیر، ۱۳۴۵ شمسی تهران، ص ۲۲۸.

۷. همان روزنامه، ص ۴۳۴.

۸. همان روزنامه، ص ۱۲۲.



۹. همان روزنامه، ص ۹۲۹.
۱۰. همان روزنامه، ص ۵۲۵.
۱۱. همان روزنامه، ص ۶۸۱.
۱۲. همان روزنامه، ص ۶۸۱.
۱۳. مهدی بامداد، شرح حال رجال ایران، انتشارات کتابفروشی زوار، تهران (ج ۳، ص ۲۱۷).
۱۴. همان شرح حال، ص ۳۱۵.
۱۵. ناصرالدین شاه روز هفدهم ذی قعدة سال ۱۳۱۳ هجری قمری کشته شده است.
۱۶. دوستعلی خان معیرالممالک، یادداشتهایی از زندگانی خصوصی ناصرالدین شاه، انتشارات نشر تاریخ ایران، چاپ سوم، ۱۳۷۲، (ص ۱۷).
۱۷. آشپزخانه را در آن زمان کارخانه می‌گفته‌اند.
۱۸. یادداشتهایی از زندگانی خصوصی ناصرالدین شاه، (ص ۲۶).
۱۹. همان یادداشتهای، (ص ۴۸).
۲۰. همان یادداشتهای، (ص ۶۰).
۲۱. دوستکامی، ظرف بزرگ مسی پایه‌دار که در آن شربت می‌ریخته‌اند و در مراسم عزای عروسی به کار بوده است.
۲۲. یادداشتهایی از زندگانی خصوصی ناصرالدین شاه، (ص ۶۶ و ۶۷).
۲۳. سفرنامه سدیدالسلطنه (التدقیق فی سیر الطریق)، به اهتمام دکتر احمد اقتداری، انتشارات بهنشر، تهران ۱۳۶۲، (ص ۱۰۳).
۲۴. بیت از گلستان سعدی است.
۲۵. مراد از راستابازار، بازار بزرگ تهران است.
۲۶. مراد از امیر، شادروان میرزا تقی خان امیرکبیر فراهانی نخستین صدراعظم ناصرالدین شاه مقتول در حمام فین کاشان در ۱۲۶۸ هجری قمری است.
۲۷. در فتوکپی سند که در دست است همه جا کلمه خوب گرفته نشده است و قابل خواندن نیست.

